

الگویی برای قوانین آینده باشد؛ برای هر یک از آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل عملیاتی مستقل تدوین شد و برای هر حکم نیز مسئول اجرایی مشخص تعیین گردید. نکته بسیار مهم دیگر این است که احکام برنامه به‌صورت ارقام و شاخص‌ها تبدیل شدند؛ به‌گونه‌ای که عملکرد دولت نه‌فقط در یک سال، بلکه در همه پنج سال برنامه به‌صورت سال به‌سال قابل سنجش باشد. احکام اولویت‌بندی شد، الزامات اجرایی آن‌ها تعیین گردید و سازوکاری برای اجرای ماده ۱۱۹ از طریق شورای عالی برنامه طراحی شد. «پورمحمدی اذعان داشت: «نکته بعدی درباره اهداف کمی برنامه است. شما جدولی تنظیم کردید که شامل ۲۳ جدول اصلی است و این جداول به ۳۳۳ هدف کمی تقسیم شده‌اند. این اهداف به‌صورت سال به‌سال برش داده شده‌اند تا امکان نظارت هم برای دولت و هم برای مجلس فراهم شود. به این بستنده نکردیم؛ چون مجلس در زمان تصویب برنامه توانست برای همه احکام اهداف کمی مشخص کند. دولت ۷۶۳ هدف کمی دیگر را برای سایر احکام تعریف کرد و آن‌ها را نیز سال به‌سال برش داد. جالب‌تر اینکه همه این داده‌ها در اختیار مرکز آمار ایران قرار گرفت تا به‌جای گزارش‌های کلیشه‌ای، به‌صورت ماهانه اثر احکام در سراسر کشور بررسی شود و نتایج در قالب گزارش‌های مستمر تقدیم مردم و نمایندگان محترم گردد.»

▼ ۶۷/۸ درصد از اهداف کمی سال نخست محقق شده است

وی افزود: «در مورد رعایت قانون بودجه بر پایه احکام برنامه نیز باید گفت در قانون بودجه سال گذشته، این موضوع رعایت شد. هم در ردیف‌ها، هم در برنامه‌های اجرایی، هم در حوزه تولید و اشتغال، هم عدالت در سلامت و هم در اعتبارات تملک دارایی‌ها و اعتبارات هزینه‌ای، در این بخش که یک تأسیس حقوقی جدید بود، ۳۷ گزارش از سوی ناظرین مالی و ۳۷ گزارش از سوی ناظرین اجرایی تقدیم مجلس شد. در این گزارش‌ها، اهداف کمی دستگاه‌ها، احکام غیرکمی، دلایل عدم تحقق و ارزیابی‌ها و پیشنهادهاد ارائه‌گردیده است.» به گفته وی، بر اساس همین گزارش ناظران؛ در سال نخست ۶۷/۸

درصد اهداف کمی محقق شد و باقی اهداف در بازه‌ای بین صفر تا ۸۰ درصد پیشرفت داشتند. در احکام غیرکمی، در سال اول ۳۱ درصد از اهداف تحقق یافت، ۴۷ درصد در حال اجراست و ۲۲ درصد هنوز محقق نشده است. معاون رئیس جمهور اظهار داشت: نکته اساسی این است که ما به عنوان سازوکار پویای اجرای برنامه، با همت ناظرین و بررسی‌های انجام‌شده در سازمان برنامه و نیز در شورای عالی راهبری، به جمع‌بندی مشخصی رسیدیم، دستگاه‌ها اعلام کردند که از میان ۲۳۲۹ حکم برنامه، ۱۳۶۹ مورد قابل تحقق است؛ یعنی حدود ۹۱ درصد. اما ۲۱۰ مورد دیگر شامل تکالیفی است که با مالاإطلاق بوده یا دارای تناقض در احکام هستند؛ این موارد حدود ۹ درصد کل احکام را تشکیل می‌دهند. سازمان برنامه و بودجه این احکام را بررسی کرده و ۱۳۸ مورد از آن‌ها را تأیید کرده است که امکان اجرای آن‌ها در شرایط فعلی وجود ندارد. در همین زمینه کتابی نیز به مجلس تقدیم شده است که فهرست این موارد را شامل می‌شود. امید است بتوانیم با همکاری متقابل، چه از طریق طرح و چه از مسیر لایحه، ایرادات موجود را بر طرف کنیم تا برنامه در ادامه مسیر، به‌شکلی شاداب و روان پیش برود.» پورمحمدی، مطلب دیگر را مربوط به شورای عالی راهبری برنامه و ماده ۱۱۹ قانون دانست و ادامه داد: «نمایندگان مجلس، ۲۶ حکم و ۳۶ برنامه را به‌عنوان تکلیف به شورای عالی برنامه محول کردند تا آن‌ها را تصویب کند. کار فوق‌العاده‌ای انجام شد و در همان سال نخست همه ۶ برنامه اصلی تصویب شد. کشور اکنون برای حوزه‌هایی چون اقتصاد دیجیتال، هوش

۳ با توجه به اینکه پزشکيان در جريان انتخابات برنامه خود را اجرای برنامه هفتم اعلام کرده بود، اينکه الان مقامات دولت بخش زیادی از برنامه را غير قابل اجرا بدانند قابل توجيه است؟



شاید آقای پزشکيان در زمان انتخابات رفتاری سیاسی از خود نشان داد و این موضوع را مطرح کرد. شاید آمادگی نداشت می‌خواست از همین برنامه استفاده کند. اما در صحنه عمل قطعاً چالش‌هایی وجود دارد چون واقعیت‌ها خود را نشان می‌دهد و طبیعی است که جای مانوری برای خود بگذارد. چون برنامه فقط بر اساس واقعیت‌ها نوشته نمی‌شود.

آقای پزشکيان به‌رغم این که سال‌ها نماینده مجلس بودند، نشان دادند که بر برنامه و لوازم برآورده‌سازی آن اشرافی نداشتند. به نظرم چون می‌خواستند برنامه‌ای نداشتند و خیلی خودشان را همراه و ذوب در ساختار نشان دهند، این موضوع را مطرح کردند.

آقای پزشکيان گفتند برنامه ما برنامه هفتم است و در زمان خودش، اصلاحات آن را هم انجام خواهیم داد. کشور درگیر جنگ و اسنپ‌ک شد. در سیاست خارجی درگیر مسائل هستیم. بالاخره اجرای برنامه در صحنه عمل مشکلاتی دارد

یکی از مشکلات کشور ما این است که کاندیداهای ریاست‌جمهوری زمان انتخابات وعده‌های بسیاری می‌دهند اما وقتی رای می‌آورند، با موانع زیادی روبه‌رو شده و نمی‌توانند به وعده‌های خود عمل کنند. آقای پزشکيان هم نباید به خاطر آوردن رای یا دلخوشی دیگران چنین وعده‌ای می‌داد. بلکه باید حقایق ضعف و قدرت را به مردم می‌گفت. ضمن آنکه با وجود مجلس ضعیف نمی‌توان این طرح را اجرا کرد. دست دولت هم در بسیاری از موضوعات بسته است.

من این صحبت را قبول ندارم چون آقای پزشکيان از جمله کسانی بود که جزو یکی از کمیته‌های برنامه هفتم بود. اما نمی‌توان گفت که برنامه هفتم به طور ۱۰۰ درصد قابل اجراست. آقای پزشکيان درست می‌گوید، مادر مجلس تکالیفی را روی دوش دولت گذاشتیم که امکان عملیاتی شدن آنها وجود ندارد. اما تنها بخشی از برنامه هفتم اینگونه است. ما تکالیفی را بعضاً با فشار نمایندگان در برنامه هفتم گنجاندیم و برنامه‌ای که باید با ۱۰۰ ماده تمام می‌شد بیش از ۱۸۰-۱۷۰ ماده دارد. در برنامه هفتم تکالیفی بر دوش دولت گذاشتیم که با شرایط موجود نه دولت آقای پزشکيان بلکه هر دولت دیگری هم بود امکان اجرایی کردن آن را در سال اول و حتی سال دوم و سوم ندارد. بعضاً به دلیل تقاضاهای متعددی که از افشار و صنوف متعدد می‌آمد، ما در برنامه هفتم آب گرفتیم. اگر برنامه هفتم براساس ظرفیت‌های کشور نوشته می‌شد، مطمئناً درصد اجرایی شدن آن بیشتر بود.



علی

دوره دوره نامردی است

درباره عکسی از تورهای ضد پهبادی در جنگ روسیه و اوکراین

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

زمانه عوض شده است. دور دور نامردی است. دور دور غافلگیری و از پشت خنجر زدن است. یک زمانی اگر این تصویر را به هر کس نشان می‌دادی نه می‌گذاشت و نه بر می‌داشت و فی‌الفر می‌گفت این جاده به دریا منتهی می‌شود؛ جاده‌ای که ماهیگیرانش توره‌های خود را به این شکل آویخته‌اند تا به وقتش دل به دریا بزنند، زمانه عوض شده است. یک زمانی اگر کسی می‌خواست به خاک مملکتی چشم داشته باشد باید که لشکری آماده می‌کرد و سپاهی می‌آراست. از آن طرف کشوری که دشمن به خاکش طمع کرده بود هم همین که خبر لشکرکشی را می‌شنید جهت دفاع لشکری آماده می‌کرد و گروهان گروهان و گردان گردان به دل دشمن می‌زد. اگر بخواهیم به خیلی قبل‌ترها برویم قصه اینطور می‌شود که معمولاً دو طرف منازعه در محلی بیرون یا بین مرز دو کشور به هم می‌رسیدند. اول برای هم رجز می‌خواندند. بعد پهلوان‌های دو طرف نفس‌کشی می‌گفتند و یکی یکی و دو تا دو تا به میدان می‌رفتند. جنگ‌ها مرحله به مرحله جلو می‌رفت و قوانین و اصولی داشت که دو طرف ماجرا هر چقدر هم که نامرد و نامراد بودند پا روی آن اصول نمی‌گذاشتند. مثلاً از پشت به کسی خنجر نمی‌زدند که اگر می‌زدند بک عمر تف و لعنت می‌شنیدند. حالا اما زمانه عوض شده. دوره دوره نامردی است. کسی دیگر بابت غافلگیری در میدان جنگ اشکال که نمی‌گیرد هیچ بلکه دیده شده است که طرف را تشویق و تحسین هم می‌کنند و به هوش و ذکاوتش آفرین می‌فرستند. تصویری که می‌بینید تورهایی است که برای جلوگیری از حمله غافلگیرانه پهبادی کشیده‌اند. چه شد که این بلاي جانشوسز به جان آدمیزاد افتاد؟ اصلاً چه ایرادی در آن جنگ تن به تن وجود داشت که مردم عالم رو به این ابزار بزدلانه آوردند؟ چه شد که نسل آن جنگ‌های چهره به چهره ور افتاد؟

